

رابطه بین میزان تماشای تلویزیون و بهره گیری از منابع اطلاعاتی غیردرسی

سید عباس رضوی دانشگاه شهید چمران اهواز

abasraz@yahoo.com

مجید جعفری زاده کارشناس ارشد تکنولوژی آموزشی

majid_jafarizadeh@yahoo.com

داریوش نوروژی دانشگاه علامه طباطبایی

drdnoroozi@gmail.com

چکیده: این پژوهش به منظور بررسی رابطه بین تماشای تلویزیون و استفاده از منابع اطلاعاتی غیر درسی مانند کتاب، روزنامه و مجله انجام شده است. بدین منظور از میان کلیه دانش آموزان مدراس راهنمایی پسرانه شهر کرمان (۱۳۷۶۰) تعداد ۶۰۰ دانش آموز با استفاده از روش نمونه گیری خوشه ای انتخاب شدند. ابزار جمع آوری اطلاعات پرسشنامه ای محقق ساخته بود که روایی آن با استفاده از نظر ۷ نفر از متخصصان موضوع تایید شده. داده های به دست آمده با استفاده از روشهای توصیفی آماری مانند فراوانی و درصد و نیز روش آماری استنباطی مجذور کای تجزیه و تحلیل شد. یافته های این پژوهش نشان می دهد که بین میزان تماشای تلویزیون و میزان مطالعه کتابهای غیر درسی و مطالعه روزنامه رابطه معناداری وجود ندارد، ولی در مورد میزان تماشای تلویزیون و میزان مطالعه مجله رابطه معناداری مشاهده شد. بدین ترتیب که با افزایش میزان تماشای تلویزیون توسط دانش آموزان میزان مطالعه مجله توسط آنان کاهش می یابد.

واژه های کلیدی: منابع اطلاعاتی، تماشای تلویزیون، کتاب غیردرسی، روزنامه، مجله

مقدمه

انسانها برخی رفتارها را به طور غریزی انجام می دهند اما بسیاری از اطلاعات، دانش، تجربه و مهارت ها را می آموزند. یادگیری به بشر کمک می کند تا بتواند بقای خود را تضمین کند و از این رو دست به فعالیت هایی می زند تا روز به روز دامنه شناخت خود را گسترش داده و عمق و وسعت تجربیات خویش را افزون بخشد. مطالعه، مشاهده، تفکر، عمل کردن، مشورت، تعامل و نظایر آن از جمله فعالیت های یادگیری به شمار می روند.

در عصر حاضر که آن را عصر اطلاعات می‌دانند بهره‌گیری از منابع گوناگون اطلاعاتی به عنوان منابع مختلف تغذیه فکری بشر مورد توجه قرار گرفته است. جوامع اطلاعاتی برای آن که شهروندانی فرهیخته و باسواد داشته باشند، باید از طرق مختلف اطلاعات مناسب و لازم را در اختیارشان قرار دهند. این امر سبب می‌شود که افراد در ابعاد گوناگون رشد یابند و علاوه بر داشتن تخصص های مورد نیاز جامعه از بینش و دانشی که برای هر شهروند و برای گذران یک زندگی متفکرانه لازم است برخوردار شوند.

مدارس به عنوان یکی از نهادهای رسمی که متولی آموزش و پرورش افراد جامعه هستند تمام هم و غم خود را بر آن داشته اند تا مهارت های گوناگون زندگی را به دانش آموزان بیاموزند و در قالب کتاب های درسی اطلاعات باارزشی را به آنان ارائه می‌کنند. اما همان گونه که می‌دانیم تنها کتاب های درسی نیستند که بر دانش، مهارت و نگرش دانش آموزان تاثیر می‌گذارند، بلکه منابع اطلاعاتی دیگری از قبیل کتاب های غیر درسی مانند کتاب های علمی، داستان و طنز و نظایر آن، همچنین مجلات و روزنامه‌ها نیز وجود دارند که همواره اطلاعات متنوعی را در اختیار همگان قرار می‌دهند. این منابع اهمیت فراوانی دارند و در جوامع اطلاعاتی بهره‌گیری از آنان یک ضرورت به حساب می‌آید. توجه به این منابع از سوی دانش آموزان به آنان کمک می‌کند تا علاوه بر دانش تخصصی که در مدرسه می‌آموزند، دانش و بینش خود را در زمینه های دیگر از جمله اجتماعی، فرهنگی، هنری، علمی، سیاسی، اقتصادی و نظایر آن گسترش دهند و از این طریق بتوانند همگام با دیگران در مسیر رشد و توسعه شخصی و اجتماعی گام بردارند. از سوی دیگر، همان گونه که کتاب‌ها، مجلات و فرمهای چاپی افراد را در معرض اطلاعات متنوع قرار می‌دهند، رسانه‌هایی چون تلویزیون، رادیو و به تازگی اینترنت به ما کمک می‌کند تا دانسته‌های خود را در زمینه‌های گوناگون بالا ببریم.

رسانه‌های یاد شده نقش مهمی در زندگی کودکان و نوجوانان ایفا می‌کنند، از این رو درک اثر رسانه‌ها بر ابعاد گوناگون شخصیت آنان از اهمیت شایان توجهی برخوردار است. رسانه‌های ارتباط جمعی به سبب ویژگی‌های خاصی که دارند می‌توانند پیام مورد نظر فرستنده را در محیطی وسیع پخش کنند، و بدین ترتیب تعداد مخاطبان بیشتری برای این رسانه‌ها وجود دارد. از جمله رسانه‌های ارتباط جمعی، تلویزیون است که امروزه از پرطرفدارترین رسانه‌ها به شمار

می‌رود. این رسانه به سبب قابلیت‌های شنیداری و دیداری می‌تواند پاره ای از تجربیات خاص را برای بینندگان به نمایش بگذارد.

براساس نظریه یادگیری مشاهده‌ای، انسان با مشاهده برخی از وقایع و رویدادها می‌آموزد (سیف، ۱۳۷۹ ص ۲۸۲). در این راستا کمیت و کیفیت موضوع مورد مشاهده و همچنین ویژگی‌های شناختی و عاطفی یادگیرنده از قبیل دانش قبلی، مهارت درک تصویری و سطح انگیزش مشاهده کننده بر رفتار وی موثر است.

تلویزیون به سبب قابلیت‌هایی که در ارائه تجربیات دیداری - شنیداری دارد می‌تواند منبع مناسبی برای ارائه اطلاعات و پیام‌های شنیداری و دیداری باشد. تلویزیون به عنوان یک رسانه ارتباط جمعی می‌تواند آثار متعددی روی دانش‌آموزان داشته باشد. به عنوان مثال تماشای برنامه‌های تلویزیونی بر پیشرفت تحصیلی، قدرت خواندن و کمیت و کیفیت مطالعه آنان تاثیر می‌گذارد. تماشای تلویزیون در هر صورت مقداری از زمان افراد به ویژه کودکان و نوجوانان را به خود اختصاص می‌دهد و تماشای تلویزیون در بعد کمی و کیفی همواره مورد توجه محققان بوده است. در این میان درباره مهارت‌هایی از قبیل خواندن و مطالعه نیز پژوهش‌هایی صورت گرفته است.

درباره تلویزیون و اثرات آن بر ابعاد گوناگون زندگی کودکان و نوجوانان پژوهش‌های متعددی صورت گرفته است. بنا بر بعضی از پژوهش‌ها، کسانی که زیاد از تلویزیون استفاده می‌کنند، نسبت به افرادی که زمان کمتری را به تماشای تلویزیون می‌گذرانند، وقت کمتری را به فعالیت‌های مفید دیگر اختصاص می‌دهند. جایگزینی این پدیده به جای فعالیت‌های دیگر از جمله تفریح، بازی و برقراری رابطه با والدین و افراد دیگر مشاهده شده است. بعضی از پژوهشگران معتقدند که تماشای تلویزیون باعث می‌شود میزان مطالعه افراد در اوقات فراغت کاهش یابد (اکبرزاده و شکوهی، ۱۳۸۱ ص ۳۵). در مطالعه تطبیقی که حقیقی (۱۳۷۳) انجام داده است، اثرات تلویزیون بر کودکان و نوجوانان مورد بررسی قرار گرفته است. این پژوهش نشان می‌دهد که تلویزیون در نحوه گذران اوقات فراغت کودک تغییر ایجاد می‌کند و فعالیت‌های خارج از خانه را کاهش می‌دهد. به عبارت دیگر، تماشای تلویزیون سبب می‌شود افراد کمتر به مطالعه، فعالیت‌های خارج از خانه و کارهای مربوط به خانه رو بیاورند، و همچنین علاقه آنها به سرگرمی‌های دیگر کاهش یابد. در این حالت، تماشای تلویزیون جایگزین تجربیاتی می‌شود که

فرد می‌تواند به آنها مبادرت ورزد. به جای این که کودک زمان خود را به تماشای تلویزیون اختصاص دهد، چنانچه زمان برای سایر موقعیت‌ها و رسانه‌ها صرف شود چه بسا دست کم همان نتایج را بار آورد (شرام و همکاران، ترجمه حقیقت کاشانی، ۱۳۷۷، ص، ۲۳۷).

همچنین، شیخ (۱۳۷۴) تحقیقی با عنوان «چگونگی پرداختن به فعالیتهای فراغت بین نوجوانان در جامعه شهری گروه ۱۱ انجام داده است. هدف این بررسی، شناسایی نحوه گذران اوقات فراغت نوجوانان و جوانان جامعه شهری ایران با تاکید بر چگونگی پرداختن آنان به فعالیت‌های مختلف اوقات فراغت است. این تحقیق با روش پیمایشی، نحوه گذران اوقات فراغت ۲۵۰۰۰ نوجوان و جوان ۱۱ تا ۲۹ سال را با استفاده از ابزار پرسشنامه و مصاحبه بررسی کرده است. یافته‌ها نشان می‌دهد که از مجموعه فعالیت‌هایی که در گذران وقت فراغت جوانان، درجه اول اهمیت را دارا است، انجام کارهای هنری بین نوجوانان دختر است. از فعالیت‌هایی که دوسپری شدن وقت فراغت جوانان در مرتبه دوم اهمیت قرار دارند، پرداختن به بازی و ورزش، مطالعه روزنامه و گوش کردن به نوار موسیقی میان جوانان مرد است که نسبت به جوانان زن در حد قابل ملاحظه‌ای بیشتر است. یافته‌های دیگر این پژوهش نشان می‌دهد تماشای تلویزیون سهم زمانی عمده‌ای را به خود اختصاص می‌دهد.

پژوهش‌های فراوانی نی تاثیر تلویزیون بر مطالعه و خواندن را بررسی کرده اند. برای مثال، پژوهشی در ایالت اکلاهما نشان داده است که قبل از ورود تلویزیون به این خانواده‌ها میزان مطالعه هر فرد در اندکی کمتر از دو ماه، یک کتاب بوده است، اما تنها شش ماه بعد از خرید تلویزیون توسط خانواده‌ها این نسبت به نصف و یک سال بعد به یک چهارم تقلیل یافته است. این یافته نشانگر آن است که تلویزیون وقت آزادی را که می‌توانست به مطالعه کتاب اختصاص یابد، کاهش داده است (مارتینز، ترجمه ارجمند، ۱۳۵۴، ص ۹۰). همچنین، بعضی پژوهش‌ها نشان داده‌اند که تلویزیون بر پیشرفت خواندن تاثیر منفی دارد، زیرا اوقاتی را که کودکان و نوجوانان باید صرف خواندن و مطالعه کنند به تماشای تلویزیون اختصاص می‌دهند (بیستجز^۱، ۱۹۸۸). مطالعه ای که ولز و بلندیگر^۲ (۱۹۹۷) انجام داده‌اند بیانگر آن است که کودکان بسیار تلویزیون تماشا می‌کنند و بسیار کم به مطالعه می‌پردازند.

1 - Beentjes

2- Wells & Blendinger

انگل^۱ (۱۹۸۱) میانگین زمان تماشای تلویزیون در هفته توسط دانش‌آموزان را حدود ۲۷ ساعت در هفته گزارش کرده است و این در حالی است که زمان مطالعه ۸ ساعت در هفته است. در مقایسه می‌توان گفت زمان تماشای تلویزیون توسط دانش‌آموزان مورد مطالعه وی، تقریباً سه برابر مدت زمان اختصاص یافته برای مطالعه است.

لوین و لوین (۱۹۹۶) نشان داده اند که بیش از نیمی از دانش‌آموزان مدارس ایالات متحده آمریکا بیش از سه ساعت در روز تلویزیون تماشا می‌کنند. آنها همچنین دریافتند که میان تماشای تلویزیون و مطالعه رابطه وجود دارد. بدین معنی که هر چقدر دانش‌آموزان بیشتر به تماشای برنامه‌های تلویزیونی پردازند، کمتر به مطالعه مبادرت می‌ورزند (تامپسون و استین^۲، ۲۰۰۳).

ویلبر شرام درباره رسانه‌های مورد استفاده در بین کودکان تعدادی از جوامع آمریکای شمالی در شهرهایی که تلویزیون داشته یا نداشته اند پژوهشی انجام داده است. او نتیجه‌گیری می‌کند که مطالعه کتاب‌ها، روزنامه‌ها و مجلات با کیفیت بالا تحت تاثیر تلویزیون قرار نگرفته اما مطالعه کتاب‌های طنز و مجلات با کیفیت پایین با ورود تلویزیون کاهش یافته است (بی‌نا، ۱۳۵۳).

از سوی دیگر تماشای بیش از اندازه تلویزیون، در کودکان و نوجوانان و تاثیر آن بر موفقیت تحصیلی آنها باعث نگرانی والدین شده است. به طور متوسط، افراد تا ۱۸ سالگی حدود ۲ سال از زندگی خود را در مقابل تلویزیون سپری می‌کنند، بنابراین مدت زمانی را که آنها به تماشای تلویزیون می‌گذرانند، قابل توجه است (کامستوک^۳، ۱۹۸۶، نقل از تامپسون و استین، ۲۰۰۳). در این باره برخی پژوهش‌ها نشان داده‌اند که فعالیت‌هایی مانند تماشای تلویزیون با موفقیت تحصیلی ارتباطی منفی دارد (هود^۴ و دیگران، ۱۹۹۲، نقل از اکبرزاده و شکوهی، ۱۳۸۱ ص ۴۹). رستمی (۱۳۶۴) نیز رابطه تماشای تلویزیون و میزان موفقیت دانش‌آموزان دبیرستانی را مورد مطالعه قرار داده است. وی این‌گونه نتیجه می‌گیرد که با تکیه بر این بررسی مشکل است گفته شود که تماشای تلویزیون برای بچه‌ها از نظر کسب موفقیت در مدرسه مضر است، زیرا به‌جز استثنایی که در مورد دختران کلاس چهارم دیده می‌شود، در مجموع همبستگی منفی کمتری نسبت به همبستگی مثبت وجود دارد.

1- Angle

2 - Thompson & Austin

3 - Comstock

4 - Hood

با توجه به آنچه پیشتر بیان شد، می‌توان اظهار داشت که استفاده از منابع اطلاعاتی از قبیل کتاب، روزنامه و مجله سبب تقویت دانش و مهارت های افراد و نیز گسترش بینش و تعدیل نگرش آنان می‌شود. بهره‌گیری از چنین منابعی مستلزم مهارت هایی از جمله مهارت مطالعه و خواندن است. کمیت و کیفیت استفاده از منابع اطلاعاتی غیر درسی تحت تاثیر عوامل مختلفی قرار دارد. برای مثال، میزان در دسترس بودن این منابع یکی از عوامل تعیین کننده کمیت بهره‌گیری از آنان محسوب می‌شود. اما عوامل دیگری نیز وجود دارند که به طور غیر مستقیم موثرند. برای نمونه، با ورود تلویزیون به عنوان یکی از رسانه‌های دیداری و شنیداری که توان بسیار بالایی در انتقال اطلاعات و نیز آموزش مهارت، دانش و نگرش دارد، در جامعه و گسترش نفوذ آن اثرات فراوانی بر بسیاری از جنبه‌های زندگی بشر پدید آمده است. از سوی دیگر، سرعت انتقال اطلاعات فزاینده شده و از سوی دیگر با بکارگیری حواسی چون شنیدن و دیدن و با خلق صحنه های پویا و جذاب طرفداران بسیاری یافته است. زیرا ساختارهای گوناگونی را دگرگون ساخته و شیوه زندگی را تغییر داده است. این تاثیر در پاره ای موارد به حدی است که این رسانه به عنوان یکی از اعضاء، در جمع خانواده قلمداد می‌شود.

اما مساله ای که با افزایش کمی و کیفی برنامه‌های تلویزیون پیش می‌آید آن است که آیا این رسانه سبب می‌شود دانش‌آموزان از آنچه باید علاوه بر کتابهای درسی به مطالعه آنها بپردازند، باز بمانند؟ و آیا تلویزیون برخی از عادات از قبیل مطالعه را در دانش‌آموزان دستخوش تغییر نمی‌کند؟ این مسائل همگی نیازمند تحقیق و پژوهش هستند و به هنگام تدوین طرح های توسعه ملی توجه به آنها سودمند خواهد بود. عادت تماشای تلویزیون در دوره نوجوانی شکل می‌گیرد (کلارک^۱ و همکاران، ۱۹۷۸)، بنابراین لازم است در مورد کیفیت و کمیت تماشای تلویزیون توسط دانش‌آموزان دوره راهنمایی تحصیلی که در دوره نوجوانی قرار دارند، نظارت بیشتری وجود داشته باشد. برای تحقق این هدف در این پژوهش رابطه بین متغیرهایی از قبیل تماشای برنامه های تلویزیونی و مطالعه کتاب های غیردرسی، روزنامه و مجله به عنوان منابع اطلاعاتی غیر درسی مورد بررسی قرار می‌گیرد. بر همین اساس، هدف کلی این پژوهش، بررسی رابطه بین میزان

تماشای برنامه‌های تلویزیونی و میزان استفاده از منابع اطلاعاتی غیر درسی است. برای تحقق هدف پژوهش، پرسش‌های زیر مطرح شده است.

آیا بین میزان تماشای تلویزیون و میزان مطالعه کتاب‌های غیر درسی رابطه وجود دارد؟

آیا بین میزان تماشای تلویزیون و میزان مطالعه مجله رابطه وجود دارد؟

آیا بین میزان تماشای تلویزیون و میزان مطالعه روزنامه رابطه وجود دارد؟

دانش‌آموزان بیشتر به مطالعه چه نوع کتاب‌های غیر درسی می‌پردازند؟

روش پژوهش

برای انجام این پژوهش از روش زمینه‌یابی استفاده شد. بدین منظور پرسشنامه‌ای تهیه و در اختیار نمونه آماری قرار گرفت.

جامعه، نمونه و شیوه نمونه‌گیری

جامعه آماری این پژوهش شامل تمامی دانش‌آموزان پسر دوره راهنمایی شهر کرمان است. در مجموع ۱۷۸۶۰ دانش‌آموز جامعه آماری این پژوهش را تشکیل می‌دهند. بر اساس جدول کرجسی و مورگان (۱۹۷۰)، برای جامعه آماری به حجم ۲۰ هزار عضو، با در نظر گرفتن سطح اطمینان ۹۵ درصد، ۳۷۷ نفر به عنوان حداقل نمونه آماری محسوب می‌شود. بر این اساس، از میان ۱۷۸۶۰ دانش‌آموز پسر مدارس راهنمایی شهر کرمان که جامعه آماری این پژوهش را تشکیل می‌دهند، تعداد ۶۰۰ دانش‌آموز به عنوان نمونه آماری انتخاب شدند. برای انتخاب نمونه آماری از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای استفاده شد. بدین ترتیب که از میان مدارس پسرانه راهنمایی شهر کرمان، از هر منطقه چهار مدرسه انتخاب شد. در هر مدرسه نیز از هر پایه تحصیلی یک کلاس انتخاب شد. انتخاب پایه‌های تحصیلی در مدارس برای آن بود که دانش‌آموزان هر سه پایه اول، دوم و سوم راهنمایی در نمونه آماری موجود باشد.

ابزار اندازه‌گیری

در این پژوهش از پرسشنامه‌ای محقق ساخته استفاده شد. در این پرسشنامه سؤالاتی درباره میزان تماشای تلویزیون، مقدار زمان اختصاص داده شده برای مطالعه، نوع کتاب‌هایی که آنان مطالعه می‌کنند و ... مطرح شده است.

روایی و اعتبار ابزار اندازه گیری

به منظور برآورد روایی محتوایی ابزار اندازه گیری، از نظر متخصصان استفاده شد. بدین منظور از ۷ تن از متخصصان تعلیم و تربیت نظرخواهی شد. پس از بررسی، سوال‌های نامناسب حذف شد و سوال‌هایی مناسب به مجموعه اضافه شد.

روش تحلیل آماری داده‌ها

به منظور تجزیه و تحلیل داده‌های به دست آمده از پرسشنامه از روش‌های توصیفی آماری مانند فراوانی و درصد و همچنین روش آماری مجذور کای استفاده شد.

یافته‌ها

به منظور تحلیل داده‌های به دست آمده از پژوهش و دستیابی به پاسخ سوالات، ابتدا هر سوال را طرح نموده و بعد آن را مورد بررسی قرار می‌دهیم.

سوال اول (آیا بین میزان تماشای تلویزیون و میزان مطالعه کتاب‌های غیر درسی رابطه وجود دارد؟

جدول ۱: جدول توافقی متغیرهای میزان تماشای تلویزیون و میزان مطالعه کتاب‌های غیردرسی

		میزان مطالعه کتاب‌های غیر درسی		میزان تماشای تلویزیون	
جمع	بیشتر از یک ساعت	کمتر از یک ساعت	اصلاً نمی‌خوانم	کمتر از یک ساعت	بین یک تا دو ساعت
۳۷	۶	۱۲	۱۹	کمتر از یک ساعت	
۱۹۸	۲۱	۷۲	۱۰۵	بین یک تا دو ساعت	
۱۵۶	۱۵	۵۲	۸۹	بین دو تا چهار ساعت	
۱۰۸	۲۰	۳۵	۵۳	بین چهار تا شش ساعت	
۸۶	۱۱	۳۱	۴۴	شش ساعت و بیشتر	
۵۸۵	۷۳	۲۰۲	۳۱۰	جمع	
معناداری: سطح		درجه آزادی: ۸		مقدار خي دو: ۶/۵۳۳	
۰/۵۸۸					

برای آن که بتوان از آزمون خبی دو به درستی نتیجه گیری کرد، لازم بود برخی از ردیف ها و ستون ها در جدول ادغام شوند تا فراوانی های مورد انتظار در خانه ها از حد لازم کمتر نشود. از این رو دو طبقه «بین یک تا دو ساعت» و «بیشتر از دو ساعت» مربوط به متغیر میزان مطالعه کتابهای غیردرسی با هم ادغام شدند و طبقه «بیشتر از یک ساعت» را تشکیل دادند. همچنین طبقات «بین شش تا هشت ساعت» و «بیشتر از هشت ساعت» مربوط به متغیر میزان تماشای تلویزیون در یکدیگر ادغام شدند و طبقه «شش ساعت و بیشتر» به وجود آمد. با توجه به اطلاعات جدول ۱، می توان گفت مقدار خبی دو برابر $6/533$ است و این مقدار با درجه آزادی ۸ و در سطح اطمینان ۹۹ درصد معنادار نیست، لذا رابطه ای میان این دو متغیر مشاهده نمی شود. بنابراین، می توان نتیجه گرفت که بین میزان تماشای تلویزیون و میزان مطالعه کتابهای غیر درسی توسط دانش آموزان رابطه معناداری وجود ندارد.

سوال دوم) آیا بین میزان تماشای تلویزیون و میزان مطالعه مجله رابطه وجود دارد؟

جدول ۲: جدول توافقی متغیرهای میزان تماشای تلویزیون و میزان مطالعه مجله

جمع	میزان مطالعه مجله			میزان تماشای تلویزیون
	اصلاً نمی خوانم	کمتر از یک ساعت	بین یک تا دو ساعت	
۲۳۵	۱۳۳	۸۳	۱۹	کمتر از دو ساعت
۱۵۶	۸۱	۵۳	۲۲	بین دو تا چهار ساعت
۱۰۸	۴۵	۳۸	۲۵	بین چهار تا شش ساعت
۳۷	۱۴	۱۵	۸	بین شش تا هشت ساعت
۴۹	۲۲	۱۶	۱۱	هشت ساعت و بیشتر
۵۸۵	۲۹۵	۲۰۵	۸۵	جمع
مقدار خبی دو: $21/055$		درجه آزادی: ۸	سطح معناداری: $0/007$	

برای تحلیل داده های مربوط به این سوالات طبقات «کمتر از یک ساعت» و «بین یک تا دو ساعت» مربوط به متغیر میزان تماشای تلویزیون با یکدیگر ادغام شدند و طبقه پاسخ «کمتر از دو

ساعت» را تشکیل دادند. همچنین، طبقات «بین یک تا دو ساعت» و «بیشتر از دو ساعت» با یکدیگر ادغام شده و طبقه‌ای به نام «بیشتر از یک ساعت» به وجود آمد. همان طور که در جدول ۲ مشاهده می‌شود، مقدار خنی دو برابر ۲۱/۰۵۵ است. از آنجا که سطح معناداری موجود در جدول (۰/۰۰۷) از ۰/۰۱ کوچکتر است، بنابراین، با درجه آزادی ۸ و در سطح اطمینان ۹۹ درصد می‌توان نتیجه گرفت که بین دو متغیر میزان تماشای تلویزیون و میزان مطالعه مجله رابطه معناداری وجود دارد. از ترکیب جدول بر می‌آید که این رابطه منفی است. بدین معنی که هر چه میزان تماشای تلویزیون توسط دانش‌آموزان افزایش می‌یابد میزان مطالعه مجله توسط آنان کاهش می‌یابد.

سوال سوم) آیا بین میزان تماشای تلویزیون و میزان مطالعه روزنامه رابطه وجود دارد؟

جدول ۳- جدول توافقی متغیرهای میزان تماشای تلویزیون و میزان مطالعه روزنامه

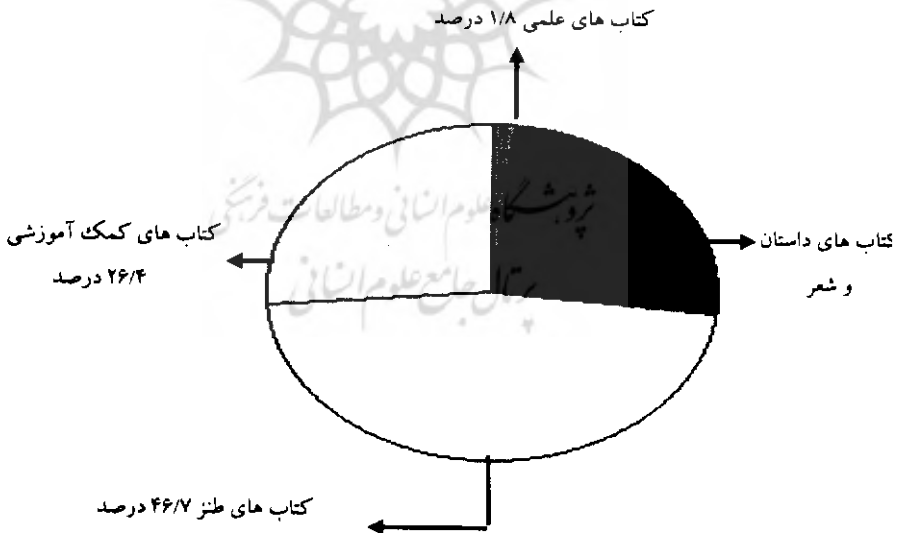
جمع	میزان مطالعه روزنامه			
	بیشتر از پانزده دقیقه	کمتر از پانزده دقیقه	اصلاً نمی‌خوانم	
۳۷	۷	۱۰	۲۰	
۱۹۸	۴۰	۴۴	۱۱۴	
۱۵۶	۳۳	۴۵	۷۸	
۱۰۸	۳۰	۲۶	۵۲	
۳۷	۱۰	۱۱	۱۶	
۴۷	۱۵	۱۴	۱۸	
۵۸۳	۱۳۵	۱۵۰	۲۹۸	
سطح معناداری: ۰/۴۲۶		درجه آزادی: ۱۰		مقدار خنی دو: ۱۰/۱۶۴

جدول ۳ نشان می‌دهد که مقدار خنی دو برابر ۱۰/۱۶۴ است. با توجه به سطح معناداری (۰/۴۲۶) که از ۰/۰۱ بزرگتر است، با درجه آزادی ۱۰ و در سطح اطمینان ۹۹ درصد می‌توان نتیجه گرفت که بین میزان تماشای تلویزیون و میزان مطالعه روزنامه توسط دانش‌آموزان رابطه معناداری وجود ندارد.

سوال چهارم) دانش‌آموزان بیشتر به مطالعه چه نوع کتاب‌های غیر درسی می‌پردازند؟ پیش از این میزان تماشای تلویزیون و میزان مطالعه کتاب‌های غیر درسی مورد بررسی قرار گرفت. برای درک بهتر متغیر میزان مطالعه کتاب‌های غیر درسی که بعد کمی آن را نشان می‌دهد، بهتر است نوع مطالعه غیر درسی که بیانگر بعد کیفی آن است بررسی شود. با تحلیل داده‌های به دست آمده از دانش‌آموزان نوع مطالعه غیر درسی آنان مشخص شده است. برای انجام این تحلیل از روش‌های توصیفی استفاده شده است.

جدول ۴: نوع مطالعه غیر درسی دانش‌آموزان

کتاب‌های غیر درسی مورد مطالعه	فراوانی	درصد
کتاب‌های علمی	۴	۱/۸
کتاب‌های داستان و شعر	۵۷	۲۵/۱
کتاب‌های طنز	۱۰۶	۴۶/۷
کتاب‌های کمک آموزشی	۶۰	۲۶/۴



شکل ۱ - نمودار توزیع مطالعه غیر درسی دانش‌آموزان

از جدول ۴ و شکل ۱ چنین بر می آید که دانش آموزان بیشتر کتاب های غیر درسی طنز را مطالعه می کنند و میزان مطالعه کتاب های غیر درسی علمی از همه کمتر است. میزان مطالعه کتاب های کمک آموزشی و داستان و شعر تا حدودی هم اندازه است. میزان مطالعه این کتاب ها از کتاب های طنز کمتر و از کتاب های علمی بیشتر است.

بحث و نتیجه گیری

پژوهش حاضر نشان داد که بین میزان تماشای تلویزیون و میزان مطالعه کتاب های غیر درسی رابطه معناداری وجود ندارد. در حالی که رابطه بین میزان تماشای تلویزیون و میزان مطالعه مجله معنادار است. بدین صورت که هر چه میزان تماشای تلویزیون توسط دانش آموزان افزایش می یابد، میزان مطالعه مجله توسط آنان کاهش می یابد. همچنین، بر اساس نتایج به دست آمده از مطالعه حاضر بین میزان تماشای تلویزیون و میزان مطالعه روزنامه توسط دانش آموزان رابطه معناداری مشاهده نشد. درباره توزیع مطالعه کتاب های غیر درسی این نتیجه به دست آمد که در بین کتاب های غیر درسی، دانش آموزان بیشتر کتاب های طنز را مطالعه می کنند و میزان مطالعه کتاب های غیر درسی علمی از کتاب های کمک آموزشی، داستان و شعر نیز کمتر است. در ادامه هر یک از نتایج عمده به دست آمده از این پژوهش را مورد بحث قرار می دهیم.

یافته اول) بین میزان تماشای تلویزیون و میزان مطالعه کتاب های غیردرسی رابطه معناداری وجود ندارد. بر اساس این یافته، تعداد ساعاتی که دانش آموزان در واحد زمانی معین مانند شبانه روز یا هفته به مطالعه کتاب های غیر درسی می پردازند، تحت تاثیر میزان تماشای تلویزیون قرار نمی گیرد. این یافته با نتایج حاصل از پژوهش های مورای و کیپاکس (۱۹۷۸) به نقل از اکبرزاده و شکوهی، (۱۳۸۱) و لوین و لوین (۱۹۹۶) همخوانی ندارد. مورای و کیپاکس دریافتند کودکانی که به تلویزیون دسترسی دارند کمتر به مطالعه کتاب می پردازند. همچنین، لوین و لوین نیز میان تماشای تلویزیون و مطالعه کتاب رابطه معنی دار یافتند. بدین صورت که هر چقدر دانش آموزان بیشتر به تماشای برنامه های تلویزیونی می پردازند کمتر به مطالعه کتاب مبادرت می ورزند. البته باید توجه داشت مولفان مذکور مطالعه کتاب را مد نظر قرار داده اند، در حالی که در پژوهش حاضر مطالعه کتاب های غیر درسی مورد توجه بوده است. شاید بتوان عدم همخوانی بین یافته های پژوهش حاضر با یافته پژوهش های دیگری که ذکر شد را به مطالعه اندک دانش آموزان ارتباط داد. از میان دانش آموزان ۸۷/۵ درصد اظهار داشته اند که یا به مطالعه کتاب نمی

پردازند یا کمتر از یک ساعت در شبانه روز کتاب غیر درسی مطالعه می کنند. همان طور که مشاهده می شود نسبت زیادی از دانش آموزان مدت زمان چندانی را به مطالعه اختصاص نمی دهند و از این رو تماشای تلویزیون نمی تواند روی این میزان اندک مطالعه اثر گذار باشد.

یافته دوم) بین میزان تماشای تلویزیون و میزان مطالعه مجله رابطه معناداری وجود دارد. این یافته نشان می دهد که افزایش تماشای تلویزیون سبب می شود مطالعه مجله کاهش یابد. این یافته با نتیجه ای که از پژوهش مورای و کیپاکس (۱۹۷۸) به دست آمده است همخوانی دارد، زیرا آنها به این نتیجه رسیده اند که دانش آموزانی که بیشتر به تماشای برنامه های تلویزیونی می پردازند در مقایسه با گروهی که کمتر به تماشای تلویزیون مبادرت می ورزند، کمتر به مطالعه مجلات می پردازند.

البته ویلبر شرام معتقد است هر چند با ورود تلویزیون به جوامع مطالعه مجلات کاهش یافته است، میزان مطالعه مجلاتی که از کیفیت بالایی برخوردار هستند تحت تاثیر تلویزیون قرار نگرفته است. مطالعه مجلات با کیفیت پایین در اثر افزایش تماشای تلویزیون دستخوش تغییراتی شده و سیر نزولی می یابد. با بهره گیری از نتایجی که شرام به دست آورده است شاید بتوان بیم آن را داشت که مجلات تهیه شده در داخل کشور از کیفیت چندان بالایی برخوردار نیست و این امر می تواند سبب شود که تماشای تلویزیون نسبت به مجلات برای دانش آموزان دوره راهنمایی که در دوران نوجوانی قرار دارند جاذبه بیشتری ایجاد کند. از این رو باید به دانش آموزان توصیه شود تا به مطالعه مجلات مفیدی که برای آنان تهیه می شود پردازند و از سوی دیگر مکانیزم هایی به وجود آید که مشوق آنان به صرف وقت برای مطالعه مجلات باشد. متولیان امر که به تهیه مجلات ویژه نوجوانان مبادرت می ورزند نیز باید با بهره گیری از آخرین دستاوردهای علمی، فنی و هنری در این زمینه باید کیفیت محصولات خویش را مد نظر قرار دهند.

یافته سوم) بین میزان تماشای تلویزیون و میزان مطالعه روزنامه توسط دانش آموزان رابطه معناداری وجود ندارد. ویلبر شرام طی پژوهشی درباره رسانه های مورد استفاده در جوامع آمریکای شمالی چنین نتیجه گیری کرده است که میزان مطالعه روزنامه تحت تاثیر تلویزیون قرار گرفته است. با نگاهی به پاسخ های آزمودنی ها مشاهده می شود که حدود ۷۹ درصد از آزمودنی ها یا اصلاً روزنامه مطالعه نمی کنند یا مدت زمان مطالعه آنان در شبانه روز کمتر از پانزده دقیقه است.

از این رو، شاید نرخ اندک مطالعه کنندگان روزنامه باعث شده است که بین دو متغیر میزان تماشای تلویزیون و میزان مطالعه روزنامه در این جامعه آماری رابطه ای مشاهده نشود.

یافته چهارم) دانش آموزان از بین کتاب های غیردرسی بیشتر به مطالعه کتاب های طنز می پردازند. بر اساس داده های پژوهش ۴۶/۷ درصد از دانش آموزان از میان کتاب های غیر درسی به مطالعه کتاب های طنز می پردازند. ۲۶/۴۳ درصد از آنان کتاب های کمک آموزشی مطالعه می کنند، ۲۵/۱ درصد کتاب های داستان و شعر می خوانند و میزان مطالعه کتاب های علمی ۱/۸ درصد است. این یافته نشان می دهد که اکثر دانش آموزان کتاب های طنز مطالعه می کنند که این امر می تواند اهداف مختلفی از جمله سرگرمی و فرار از مشکلات فکری و تلاش برای ایجاد محیطی تفریحی را در پی داشته باشد. از آنجا که کتاب های طنز فرصتی برای فراغت دانش آموزان ایجاد می کند و دانش آموزان را از پرداختن به کارهایی که مستلزم تفکر است نسبت به کتاب های علمی بی نیازتر می سازد، لذا طالب و خواهان بیشتری دارد. هر چند کتاب های کمک آموزشی نیازمند تفکر و ممارست ذهنی است اما دانش آموزان به سبب نیازی که به آنها احساس می کنند به مطالعه آنها می پردازند. شاید بتوان گفت دانش آموزان احساس نیاز چندانی به مطالعه کتاب های داستان، شعر و به ویژه کتاب های علمی نداشته اند.

در مورد استفاده قابل توجه از کتاب های کمک آموزشی در قیاس با کتاب های علمی، می توان دلایلی را مورد توجه قرار داد. گسترش روزافزون کتاب های کمک آموزشی که امروزه موسسات مختلف در قالب هایی چون کتاب راهنما یا حل المسائل منتشر می کنند می تواند این وضعیت را سبب شده باشد. اقبال این نوع کتاب ها به سبب روندی که مسیر آن به آزمون ورودی دانشگاه یا کنکور ختم می شود پدیده ای نوظهور است که تا حدی شیوه آموزش در مدارس را تحت تاثیر خود قرار داده است. این پدیده بسیار قابل تأمل است زیرا اگر دانش آموزان و معلمان و به طور کلی سیستم آموزشی مدارس را به سطحی نگری و آموزش مناسب برای کنکور سوق دهد می تواند پیامدهای نامطلوبی را در پی داشته باشد. اما اگر استفاده از کتاب های کمک آموزشی سبب ایجاد فرصت های بیشتر یادگیری برای دانش آموزان شود آنان را در مسیر رسیدن به هدف های خویش یاری خواهد رساند.

این امر که دانش آموزان بیش از هر کتاب غیر درسی دیگر به کتاب های طنز می پردازند نباید نگرانی چندانی ایجاد کند، زیرا می توان از جاذبه و کشش کتاب های طنز استفاده

کرد و با برپا کردن آنان و نیز استفاده از این روش در کتاب های علمی و آموزشی دانش آموزان را به یادگیری و کسب اطلاعات مورد نیاز برای زندگی ترغیب کرد. به علاوه، اتکای صرف دانش آموزان به کتاب های درسی نمی تواند یادگیری عمیق علمی را در آنان سبب شود و به نظر می رسد معلمان در کنار تدریس کتاب های درسی باید دانش آموزان را ترغیب کنند که از دیگر منابع علمی و از جمله کتاب های غیر درسی علمی استفاده کنند. این امر در سایه ارائه تکالیف خاص به آنان و برنامه ریزی برای گسترش دامنه مطالعه دانش آموزان میسر می گردد.^۴

منابع فارسی

- اکبرزاده . ع، وشکوهی.ی.(۱۳۸۱). تلویزیون و ادراک کودکان. فصلنامه تعلیم و تربیت. شماره ۳، صص ۵۶-۳۳.
- حقیقی، ا.(۱۳۷۳). کودک، نوجوان و تلویزیون. صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران، مرکز تحقیقات، مطالعات و سنجش برنامه ای.
- رستمی، ع.(۱۳۶۴). رابطه تماشای تلویزیون و میزان موفقیت دانش آموزان دوره متوسطه. صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران، مرکز تحقیقات، مطالعات و سنجش برنامه ای.
- سیف، ع. ا.(۱۳۷۹). روان شناسی پرورشی: روان شناسی یادگیری و آموزش (ویرایش دوم) تهران: آگاه .
- شرام، و.(۱۳۵۳). نظری اجمالی بر نتایج تحقیقات در زمینه تاثیر تلویزیون بر کودکان و نوجوانان. (مترجم بی.نا). پویه، ش ۳.
- شرام، و. و همکاران.(۱۳۷۷). تلویزیون در زندگی کودکان ما. ترجمه محمود حقیقت کاشانی. تهران: مرکز تحقیقات، مطالعات و سنجش برنامه ای صدا و سیما.
- شیخ، س.(۱۳۷۴) چگونگی پرداختن به فعالیت های فراغت بین نوجوانان در جامعه شهری گروه ۱. نهاد ریاست جمهوری، شورای عالی جوانان.
- مارتینز، ا.م.(۱۳۵۴). تلویزیون در خانواده و جامعه نو ترجمه جمشید ارجمند. تهران: سروش.

منابع انگلیسی

- Angle, B. D. (1981). The Relationship between Children's Televiewing and the variables of reading attitude, reading achievement, book Reading, and IQ in a sample of fifth grade children. *Dissertation Abstracts*, DAI-A 41/08
- Beentjes, B. J. (1988). Television's Impact on Children's Reading Skills: A - Review of Research. *Reading Research Quarterly*, 23, 389-413.
- Clark, R. E., Comstock, G., Dorr, A., Hornik, R., Levie, H., Medrich, E., Salomon, G. (1978). *Schooling and Leisure Time Uses of Television*. San Diego, California: San Diego Conference on Television and Learning.
- Comstock, G.(1991). *Television and the American Child*. San Diego, CA: Academic Press
- Levine, D.U., and Levine R.F. (1996). *Society and Education* (9th ed.). Boston, MA: Allyn and Bacon, pp. 121-124.
- Thompson, F.T. & Austin, W.P. (2003). Television viewing and academic achievement revisited. *Education*, Vol. 124(2003): 194-203.
- Wells, L., and Blendinger. (1997). How children in the fifth grade spend their time outside of school. Memphis, TN: *Annual Meeting of the Mid-South Educational Research Association*, November.